

منافشه غصب خانه اندیشمندان همچنان ادامه دارد



چند روزی است که شهری در حال تلاش برای تعطیلی خانه اندیشمندان است. این مکان که به رایگان وبه شرط فعالیت فرهنگی به خانه اندیشمندان سپرده شده بود، حالا با توجهیاتی جدید از سوی شهرداری، به سوی تعطیلی پیش می رود. از مکان بعدی خانه اندیشمندان خبری نیست و سرنوشت وسایل آن نیز در ابهام است. به گزارش انتخاب معاون خانه اندیشمندان علوم انسانی در این باره گفت: این مکان ده سال پیش بر اساس یک قرارداد حبس مطلق به خانه اندیشمندان داده شد که تا وقتی فعالیت فرهنگی را ادامه دهیم، در اختیار ما باشد. کیومرث بشپسیر به افزود: بهر هرداری از این ملک به خانه اندیشمندان داده شده بود. شهرداری مدعی است که این قرارداد از اول غلط بوده و ما با سوءاستفاده های جناحی کار می کنیم. ما مستنداتی ارائه کردیم که نگاه جناحی نداشتیم. شورای شهر نیز دبروز محل مناقشه حامیان و مخالفان را کانی در خصوص تعطیلی این خانه بود. در حالی که نطق سسوده جعفری و مهدی اقراریان بر علیه تعطیلی این خانه بود، مهدی چمران پشت این حرکت شهرداری ایستاد.

□□□

قتل قهرمان مچ اندازی توسط همسرش



قهرمان مچ اندازی فریمان توسط همسرش به شکلی فجیع به قتل رسید. هانیه بیهودی، پس از کسب مقام در مسابقات مچ اندازی به فریمان بازگشته و همسرش او را به قتل می رساند. دادستان عمومی و انقلاب فریمان در خراسان رضوی در این باره گفت: نیمه شب (۱۵ خرداد) اورژانس پیکر زن جوانی را انتقال دادند که استخوان دستان وی از مچ قطع شده بود و آثاری از کبودی نیز بر چهره داشت. به گفته مهدی حقدادی؛ متهم که ادعان داشت همسر از قهرمانان مچ اندازی بود، مدعی شد که او تصویری با حجاب نامتعارف از خود در فضای مجازی منتشر کرده بود که موجب عصبانیتش شده بود متهم گفته که یک پیامک اشتباهی برای من از شماره همسر م ارسال شد که به او سوءظن پیدا کردم و دیگر نتوانستم خودم را کنترل کنم.

□□□

سند «چغازنبیل» به نام دولت زده شد



معاون میراث فرهنگی کشور از صدور سند تک برگ ۵۴۰ هکتار از اراضی محوطه باستانی چغازنبیل («استان خوزستان») به نام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به نمایندگی از دولت ایران خبر داد. به گزارش ایسنا، علی داریایی توضیح داد: این سند که پس از پیگیری های مستمر و همکاری های فشرده میان نهادهای مختلف دولتی صادر شده است، به نام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران ثبت شد. این دستاورد حقوقی مهم، پس از سال ها تلاش مداوم و هم فزایی سازنده با نهادهای ذی ربط به ویژه با پیگیری های مستمر اداره کل میراث فرهنگی استان خوزستان با همکاری اداره کل پایگاه های ملی و جهانی، اداره کل داریایی و اداره کل ثبت اسناد استان خوزستان حاصل شده است.

□□□

مبلغ جریمه نقدی نمایش استعمال دخانیات مشخص شد

رئیس دبیر خانه ستاد کشوری کنترل دخانیات گفت: نمایش صحنه های استعمال دخانیات در فیلم ها و سریال های نمایش خانگی و حتی در سینما، مصداق تبلیغ محسوب شده و مشمول مجازات خواهد شد. به گزارش مهر، بهزاد ولی زاده، رئیس دبیر خانه ستاد کشوری کنترل دخانیات، در گفت و گو با مهر با اشاره به ممنوعیت قانونی هر گونه تبلیغ و ترویج مصرف دخانیات، افزود: طبق قانون، جریمه تبلیغ دخانیات در سال ۱۴۰۳ ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان تا ۲۱۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده و قاضی می تواند با تشخیص خود، بسته به میزان اثر گذاری این رفتار بر جامعه، این جریمه را اعمال کند.

□□□

مجوز تاکسی های اینترنتی هر شهر باید به عهده شهرداری باشد



رئیس شورای شهر تهران گفت: کسانی که تاکسی دارند، دارای پرونده در سازمان تاکسیرانی هستند و شناسایی شده اند. بهداز شناسایی می توانند به عنوان راننده تاکسی فعالیت کنند. اما هر کسی در یک شرکت ثبت نام می کند که نه سابقه مشخص و نه تعهدی دارد. به گزارش تسنیم، مهدی چمران اضافه کرد: شورای شهر هیچ گونه اجازه ای در این خصوص نداده و حتی به وزارت کشور نامه زده ایم که مجوزی که به شرکت تاکسی های اینترنتی داده خلاف قانون است و باید شورای امور مربوط به تاکسیرانی را بر عهده داشته باشد نه یک صنف.

□□□

کشف ۲ میلیون قلم دارویی قاچاق در خیابان شرعیته تهران



رئیس پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ از کشف بیش از ۲ میلیون قلم انواع داروهای غیر مجاز خبر داد و گفت: کارشناسان ارزش را بیش از ۵۵ میلیارد تومان برآورد کرده اند. به گزارش ایسنا، سرهنگ کاراگاه مهدی افشاری در توضیح بیشتر افزود: در پی اقدامات اطلاعاتی مشخص شد اقدامی اقدام به فروش انواع داروهای غیر مجاز در انبار شرکتی در خیابان شرعیته می کنند. مأمورین این پلیس در بازرسی از این محل مشاهده کردند یک باب آمار تپان مسکونی بوده که مقادیری اقلام داروی غیر مجاز و فاقد هر گونه اسناد و مدارگ همگی در محل دپو نگهداری می شود.

«محمدرضانیک نژاد»، کارشناس آموزش در گفت وگو با «توسعه ایرانی» پاسخ داد:

چرا تمایل به ترک تحصیل در میان دانش آموزان رواج دارد؟



اگر یک خانواده وارد بحران اقتصادی بشود اولین جایی که آسیب می بیند بخش های فرهنگی و آموزش آن است. الان خانواده ها برای عبور از بحران اقتصادی تر جیح می دهند که هزینه های بخش آموزش را حذف کنند. چرا که آن را ناکارآمد می دانند

ترک تحصیل هم انجامیده. در واقع نفرت بچه ها از این نظام آموزشی آنها را بیشتر به بیرون مدرسه هل می دهد. نظر شما در این خصوص چیست؟

اگر در گذشته تنها افشار فقیر اقدام به ترک تحصیل می کردند، چرا که باید زودتر به بازار کار می رفتند و خرج خانواده را تأمین می کردند؛ اما امروزه ترک تحصیل فقط مخصوص این طبقه نیست و شاهدیم که در سایر طبقات اجتماعی هم ترک تحصیل بسیار زیاد شده است.

مثلا در مدرسه ای که من درس می دهم از ابتدای سال در هر کلاس حداقل سه چهار نفر غایب بودند و مشخص بود که پدر مادرشان نیز با آنها همکاری می کنند. چون پدر مادر هم به این نقطه رسیده اند که دیگر این درس و مشق خیلی گره گشای زندگی آینده فرزندان شان نیست. در حال حاضر حقوق معلم ۱۵ ۲۰ تومان است. در حالی که بعضی از این بچه ها با فعالیت در فضای مجازی گاهی ماهانه ۱۰۰ ۲۰۰ میلیون تومان درآمد دارند. با حداقل در بوتیک و مغازه ای کار می کنند و ماهانه ۳۰ میلیون در آمد دارند. معلوم است که در چنین شرایطی حتی اولیا هم دوست ندارند فرزندشان با مدرسه رفتن و رفتن را تلف کند. خود مسئولان مدرسه هم دیگر نمی خواهند مانع آنها بشوند. بنابراین هر ماه هزینه ای را پرداخت می کنند تا به مدرسه نیایند و صرفا امتحان آخر ترم را بدهند.

در چنین شرایطی چه باید کرد؟
آموزش رسمی در بحران های جدیدی قرار گرفته و نیاز به برنامه ریزی دارد. نیاز به اینکه بچه ها توجیه شوند؛ این درسی که می خوانند، این مدرسه ای که می آیند، ساعاتی که برایش وقت می گذارند چه منافعی در آینده برایشان خواهد داشت؟

شوربختانه وضعیت اقتصادی بغرنجی که در این ۱۰ سال گذشته هر روز بدتر شده؛ اقتصاد و کسب درآمد را به اولویت خانواده ها بدل کرده است. خانواده ها فکر می کنند چرا هزینه بیخودی برای مدرسه بدهند. یعنی دیگر ترک تحصیل مخصوص مناطق محروم نیست و اتفاقا ششر متوسط بیشتر از قبل به این سمت گرایش پیدا کرده است. حتی می شود گفت بچه های مناطق محروم که خانواده محروم دارند باز هم چشم امید به گره گشایی زندگیشان از طریق درس واز مسیر آموزش دارند، اما خانواده های متوسط دیگر رشدشان را در آموزش رسمی نمی بینند. آموزش و پرورش ایران در کنار بحران های جهانی، بحران های داخلی هم دارد و مهمترینش وضعیت اقتصادی است که آموزش و پرورش را زمین گیر کرده. در چنین شرایطی دولت هم آموزش و پرورش را برون سپاری کرده. در حالی که بر محتوای آن نظارت جدی دارد؛ در هزینه های آن مشارکت نمی کند!

مردم هم می بینند که آموزش غیر کارآمد را باید با هزینه بالا پیش ببرند پس از آن صرف نظر می کنند.

اگر یک خانواده وارد بحران اقتصادی بشود اولین جایی که آسیب می بیند بخش های فرهنگی و آموزش آن است. الان خانواده ها برای عبور از بحران اقتصادی تر جیح می دهند که هزینه های بخش آموزش را حذف کنند. چرا که آن را ناکارآمد می دانند.

تغییر وضعیت شان و رسیدن به سطح متوسط یا بالاتر تحصیل می کردند و واقعا هم تحصیلات، تأثیر مثبت و دگرگون کننده در زندگی افراد داشت، اما نقش تحصیلات این روزها نه فقط برای طبقات پایین، که حتی برای لایه های متوسط جامعه و حتی ترنمند رنگ باخته و این اعتقاد رایج است که درس خواندن آنها را نهایتا به زندگی کارمندی و درآمدی حداقلی می رساند و عملا مجبورند هم زمان برای گذران امور چند کار را پیش بگیرند. در حالی که در جهان جدید امکانات متفاوتی برای درآمدزایی وجود دارد که لزوما هم از مسیر آموزش رسمی نمی گذرد. با توجه به اینکه من متون مربوط به دغدغه های روز آموزشی را مطالعه و بعضا ترجمه می کنم، می بینم که این دغدغه نه تنها در ایران که در سایر کشورها هم وجود دارد. سوالی بحرانی که کل جهان را دربر گرفته، این است که: «آموزش رسمی می تواند چه گرهی از زندگی فردی و اجتماعی افراد باز کند؟»

در کشورهای پیشرفته با توجه به سرعت شتابان فناوری های نوین و اینکه این فضا و این انبوه داده ها مثل شمشیر دو لبه است، بنابین امر آموزش به دنبال رفع تبعات منفی و بهره مندی از موارد مثبت این فناوری ها هستند تا با آن ساختار آموزش و پرورش خود را ترسیم و به رشد آن کمک کنند.

آموزش رسمی برای کودکان و نوجوانان دنیای امروز که در معرض تکنولوژی روز هستند، با اینکه سعی دارد بسیار منعطف و جذاب بنماید باز هم بسیار عذاب دهنده به نظر می رسد چرا این اتفاق رخ داده است؟
در جهان امروز دیگر نه معلم و نه پدر و نه مادر دانای مطلق نیستند، همچنان که طبقه های مرجع توان خط دهی به مردم را ندارند و از مرجعیت افتاده اند. چرا؟ چون دیگر فضای مجازی هر چه که شما خواهید را در اختیار قرار می دهد و الزاما آن داده ها را من معلم، من پدر و مادر بلد نیستم و در کتاب های درسی هم وجود ندارد یا اگر وجود دارد خیلی قطره چکانی ست. پس درس و مشق جایگاه پیشین خود را از دست داده و جز مایه عذاب و شکنجه کودکان و نوجوانان نیست. یعنی کودکان سر کلاس ها مجبورند محتوا و معلمی

امتحان می دهند کتاب را با همین حس نفرت همنجائوی سطل آشغال می اندازند. این در حالی است که وقتی ما کتابی را مثلا از کتاب فروشی می خریم، حتی وقتی هم آن را خواندیم، دیگر پاره اش نمی کنیم یا دورش نمی اندازیم. معمولا آن را نگه می داریم شاید روزی به کار بیاید یا اینکه به درد کسی دیگر بخورد. یعنی ارزش و اعتباری برای آن قائل هستیم. همین نشان می دهد جایگاه آن محتوای درسی و ساختار آموزشی و این کلاس مدرسه دیگر جایگاه گذشته نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

امتحان می دهند کتاب را با همین حس نفرت همنجائوی سطل آشغال می اندازند. این در حالی است که وقتی ما کتابی را مثلا از کتاب فروشی می خریم، حتی وقتی هم آن را خواندیم، دیگر پاره اش نمی کنیم یا دورش نمی اندازیم. معمولا آن را نگه می داریم شاید روزی به کار بیاید یا اینکه به درد کسی دیگر بخورد. یعنی ارزش و اعتباری برای آن قائل هستیم. همین نشان می دهد جایگاه آن محتوای درسی و ساختار آموزشی و این کلاس مدرسه دیگر جایگاه گذشته نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

محتوای آموزشی در ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک زده به اشکال مختلف مورد نقد و اعتراض است. حتی آنها که به حاکمیت نزدیکتر هم هستند آن را مورد نقد قرار می دهند. علاوه بر دروس علوم انسانی، دروس علوم پایه هم از این محتوای آموزشی دور نیست.

